فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۹، شماره ۲۳، زمستان ۱۴۰۲

تعیین رابطه بین سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر دبیرستانی با سبک‌های فرزند پروری

ملیحه سادات صادق‌القول[۱]

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، تعیین رابطه بین سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی با سبک‌های فرزند پروری است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ و مادران آن‌ها می‌باشد که ۲۰۰ نفر از آن‌ها به‌عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از پرسشنامه‌های سبک‌های فرزند پروری بامریند (۱۹۷۲) و پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان سینها و سینک (۱۹۹۳) که از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بود. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آمار استنباطی ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS-23 بهره برده شد. نتایج نشان داد که بین سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان با سبک‌های فرزند پروری مادران رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاکی از آن بود که سبک‌های فرزند پروری مادران توان پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی را دارد. بدین‌صورت که سبک فرزند پروری قاطع و اطمینان‌بخش به‌صورت مثبت و سبک‌های فرزند پروری سهل‌گیر و مستبدانه به‌صورت منفی سازگاری اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزند پروری، سبک مستبدانه، سبک مقتدرانه، سبک سهل‌گیرانه، سازگاری اجتماعی

[۱] کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-16]

مقدمه

نوجوانی یک دوره‌ی مهم رشدی است که با مشکلات شدید سازگاری مشخص می‌شود. دختران نوجوان، سازگاری هیجانی کمتری نسبت به پسران نشان داده و اضطراب و افسردگی بیشتری را تجربه می‌کنند (زابریک و همکاران[1]، ۲۰۱۷). سازگاری را می‌توان به توانایی درهم‌آمیزی، همکاری و کنار آمدن با خود، محیط، جامعه و دیگران در نظر گرفت. سازگاری مستلزم به‌کارگیری راهکارهای شناختی و رفتاری است که افراد برای مقابله با موقعیت‌های پرتنش از آن‌ها استفاده می‌کنند (باقرزاده‌نیم‌چاهی و همکاران، ۱۳۹۷).

برخی از محققان، ابعاد سازگاری را شامل سازگاری جسمانی، روانی، اجتماعی و اخلاقی در نظر گرفته‌اند که در رأس همه‌ی آن ها، سازگاری اجتماعی قرار دارد. پیش‌درآمد رسیدن به سازگاری‌های روانی، اخلاقی و جسمانی، سازگار شدن ازلحاظ اجتماعی است (رشیدی، ۱۳۹۵). سازگاری اجتماعی به معنای سازش شخص با محیط است که این سازگاری می‌تواند به‌وسیله وفق دادن خود با محیط یا تغییر محیط اطراف برای رفع نیازها و رسیدن به مطلوب ایجاد شود (عدلی[2] و همکاران، ۲۰۱۳). مشکل در سازگاری اجتماعی می‌تواند روی تعهدات فردی و اجتماعی تأثیر گذاشته و موجب مشکلاتی در سلامت فردی و اجتماعی شود. کمبود یا نبود روابط اجتماعی که درنتیجه‌ی سازگاری اجتماعی نامطلوب رخ می‌دهد، می‌تواند روی انگیزه و سلامت روان فرد تأثیری منفی بگذارد (جورج و اکپانگ[3]، ۲۰۱۲) و موجب عملکرد روانی ضعیف مانند احساس گناه، خود پنداره‌ی منفی، ناامیدی، عزت‌نفس پایین، انزوا و رضایتمندی پایین از زندگی شود (کهریزه، ۱۳۹۸). در دوران نوجوانی، اگرچه همسالان نقش مهمی را در اجتماعی شدن ایفا می‌کنند اما هنوز خانواده منبع مهمی ازلحاظ حمایت و آموزش است (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲).

تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان، پایه و اساس شیوه‌ی فرزند پروری است. فرزند پروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه‌ای گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارند (فیلیپس[4] و همکاران، ۲۰۱۷). نوع برخورد والدین در قالب رفتارهای متنوع، بهنجار و طبیعی که به‌منظور کنترل و اجتماعی کردن فرزند خود به کار می‌برند، سبک‌های فرزند پروری نامیده می‌شوند (لی[5] و همکاران، ۲۰۱۸). درواقع سبک‌های فرزند پروری دربرگیرنده‌ی نحوه‌ی تعامل والدین با فرزندان بوده که از طریق مجموعه‌ای از گرایش‌ها، رفتارها و زمینه‌های غیرکلامی قابل‌تشخیص است (دارلینگ و استینبرگ[6]، ۲۰۱۷). بر اساس نظریه‌های بامریند[7] (۱۹۹۱)، اریکسون[8] (۱۹۹۴) و شیفر[9] (۱۹۹۶) دو بعد در تربیت فرزندان اهمیت دارد: پذیرش در برابر طرد کردن؛ و سخت‌گیری در برابر آسان‌گیری. درواقع شیوه‌هایی که والدین برای تربیت فرزندان خود انتخاب می‌کنند تا حدودی بستگی به عقایدشان درباره رشد و خصوصیاتی که به اعتقاد آنان لازم است کودک کسب کند دارد (بروسنان[10] و همکاران، ۲۰۲۰). بر اساس این دو بعد ۴ شیوه‌ی فرزند پروری وجود دارد: شیوه استبدادی که ازنظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، ازنظر کنترل اجباری بالا و بسیار محدودکننده است (یانگ و ژائو[11]، ۲۰۲۰)؛ شیوه مقتدرانه که کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب را شامل می‌شود و والدین در این شیوه، صمیمی، دلسوز و نسبت به نیازهای کودک حساس هستند (تقی‌لو، ۱۳۹۶)؛ و شیوه‌ی سهل‌انگارانه که مهرورز و پذیرا هستند ولی متوقع نیستند؛ و شیوه‌ی بی‌اعتنا که پذیرش و روابط خوب کم را با کنترل کم و بی‌تفاوتی کلی نسبت به استقلال دادن ترکیب می‌کند. والدین در این شیوه ازلحاظ هیجانی، کناره‌گیر و جدا هستند (مافتی[12] و همکاران، ۲۰۲۰). انواع مختلف سبک‌های فرزند پروری که در این پژوهش موردتوجه قرارگرفته است، سبک‌های فرزند پروی بامریند (۱۹۹۳) می‌باشد که شامل سبک سهل‌گیرانه (با نظارت کم و روابط گرم با

[1] Zubrick
[2] Adli
[3] George & Ukpong
[4] Phillips
[5] Lei
[6] Darling & Steinberg
[7] Baumrind
[8] Ericsson
[9] Shiffer
[10] Brosnan
[11] Yang & Zhao
[12] Maftei

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-16]

فرزندان)، سبک مستبدانه (با نظارت بالا و روابط خشک با فرزندان) و سبک مقتدرانه (با رفتار والدینی انعطاف‌پذیر، نظارت کلی والدین و احترام به خودمختاری فرزندان) شناخته می‌شوند (بلیاد و همکاران، ۱۳۹۸).

با توجه به مطالب ذکرشده و این مهم که در هر جامعه، سلامت نوجوانان اهمیت ویژه‌ای دارد و توجه به بهداشت روانی آن‌ها کمک می‌کند تا ازنظر روانی و جسمی، سالم بوده، نقش اجتماعی خود را بهتر ایفا کنند. در این راستا، شناخت صحیح ابعاد مختلف جسمی و روانی این گروه سنی و کوشش در راه تأمین شرایط لازم مناسب برای رشد اجتماعی آنان، واضح‌تر از آن است که احتیاج به تأکید داشته باشد (نظری و همکاران، ۱۳۹۴)، لذا هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین رابطه بین سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی با سبک‌های فرزند پروری می‌باشد.

روش‌شناسی

این پژوهش ازنظر هدف، کاربردی؛ ازنظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ و مادران آن‌ها تشکیل داده‌اند. با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و نمونه‌ی آماری در مطالعات همبستگی به ازای هر مؤلفه ۳۰ تا ۵۰ نفر کفایت می‌کند (دلاور، ۱۳۹۸) و در این پژوهش چهار مؤلفه‌ی سازگاری اجتماعی و سه سبک فرزند پروری موردپژوهش قرار می‌گیرد، نمونه‌ای بین ۱۲۰ تا ۲۰۰ نفر کفایت می‌کند که برای اطمینان و با در نظر گرفتن احتمال ریزش پرسشنامه‌ها، تعداد اعضای نمونه ۲۰۰ نفر در نظر گرفته‌شده است که این تعداد به‌صورت در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل کردند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه‌های سبک‌های فرزند پروری بامریند (۱۹۷۲) و پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان سینها و سینک (۱۹۹۳) بود.

پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان سینها و سینک (۱۹۹۳): این پرسشنامه در سال ۱۹۹۳ توسط سینها و سینگ[1] به‌منظور تعیین سازگاری اجتماعی، هیجانی و تحصیلی دانش‌آموزان ساخته‌شده است. در ایران قدسی احقر فرم ۵۵ سؤالی این مقیاس را در نمونه ۳۰۰۰ نفری از دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی موردبررسی قرار داده است. این پرسشنامه سه مؤلفه دارد که عبارت‌اند از سازگاری اجتماعی (سؤالات ۱ تا ۱۹)، سازگاری هیجانی (سؤالات ۲۰ تا ۳۵) و سازگاری تحصیلی (سؤالات ۳۶ تا ۵۵). نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس صفر و یک است به این صورت که در مورد سؤالات زیر بلی نمره‌ی ۱ و خیر نمره صفر می‌گیرد:

۵۵-۵۴-۵۲-۵۱-۴۹-۴۸-۴۶-۴۵-۴۳-۳۹-۳۷-۳۵-۳۱-۳۰-۲۸-۲۴-۲۳-۲۲-۱۸-۱۷-۱۲-۱۱

و در مورد سؤالات زیر بالعکس است به این صورت که خیر نمره ۱ و بلی نمره صفر می‌گیرد:

-۴۷-۴۴-۴۲-۴۱-۴۰-۳۸-۳۶-۳۴-۳۳-۳۲-۲۹-۲۷-۲۶-۲۵-۲۱-۲۰-۱۹-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱

۵۳-۵۰

بر اساس این روش از تحلیل سؤالات، نمره‌های به‌دست‌آمده جمع می‌شود و حداقل امتیاز ممکن ۱۸ و حداکثر ۹۰ است. سازندگان آزمون، ضریب پایایی این آزمون را با روش‌های دونیمه کردن، باز آزمایی و کودر ریچاردسون به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۳ و ۰/۹۴ به دست آورده‌اند. همچنین روایی محتوایی این آزمون را ۲۰ نفر از متخصصان روانشناسی تائید کرده‌اند. در پژوهش خانجانی‌زاده و باقری (۱۳۹۲) پایایی خرده مقیاس سازگاری اجتماعی با روش آلفای کرونباخ ۷۵٪ به دست آمد (زری‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۸).

پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری بامریند[2] (۱۹۷۲): بامریند از دانشگاه کالیفرنیا مجموعه بررسی‌هایی را انجام داد که طی آن الگوهایی از شیوه‌های فرزند پروری والدین مشخص شد. وی برای مطالعه خود پرسشنامه‌ای طراحی کرد که به نام خود او معروف شد، این پرسشنامه شامل ۳۰ گویه است. در مقابل هر عبارت ۵ ستون با عنوان (کاملاً موافقم، موافقم، تقریباً مخالفم، مخالفم و کاملاً مخالفم) قرار دارد که به ترتیب از ۴ تا ۰ نمره‌گذاری می‌شود. با جمع نمرات سؤالات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا به دست می‌آید.

[1] Sinha & Singh
[2] Baumrind Parenting Styles Inventory

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-16]

جدول ۱: مؤلفه و گویه‌های پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری بامریند

عنوان مؤلفه	گویه ها
شیوه سهل‌گیرانه	۱،۶،۱۰،۱۳،۱۴،۱۷،۱۹،۲۱،۲۴،۲۸
شیوه مستبدانه	۲،۳،۷،۹،۱۲،۱۶،۱۸،۲۵،۲۶،۲۹
شیوه قاطع و اطمینان‌بخش	۴،۵،۸،۱۱،۱۵،۲۰،۲۲،۲۳،۲۷،۳۰

نمره‌گذاری پرسشنامه به‌صورت لیکرت ۵ نقطه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های (کاملاً موافقم، موافقم، تقریباً مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب امتیازات ۱،۲،۳،۴،۵ درنظر گرفته می‌شود. نمره‌گذاری هر خرده‌مقیاس با جمع کردن امتیازات مربوط به هریک از خرده‌مقیاس‌ها به دست می‌آید. حداقل نمره هر فرد از زیرمقیاس‌ها ۱۰، حداکثر نمره هر فرد در هریک از زیرمقیاس‌ها ۵۰ است.

همچنین لازم به ذکر است در این پژوهش به‌منظور سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار این ضریب برای هر یک از پرسشنامه‌ها بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که نشان از پایایی برای هر یک از ابزار داشت. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار SPSS 23 در بخش استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره) انجام پذیرفت.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی مادران در جداول زیر آمده است:

جدول ۲: توزیع سن مادران

سن	فراوانی	درصد
زیر ۴۰ سال	۲۷	۱۳،۵
بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۹۸	۴۹
بین ۵۱ تا ۶۰ سال	۵۱	۲۵،۵
بالای ۶۰ سال	۲۴	۱۲
کل	۲۰۰	۱۰۰

چنانکه در جدول بالا مشاهده می‌شود، سن ۱۳،۵ درصد از مادران زیر ۴۰ سال، ۴۹ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۲۵،۵ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال و ۱۲ درصد بالای ۶۰ سال سن دارند. این نتایج در نمودار میله‌ای زیر نیز نشان داده شده است.

جدول ۳: توزیع سطح تحصیلات مادران

تحصیلات	فراوانی	درصد
دیپلم و فوق دیپلم	۷۲	۳۶
لیسانس	۹۵	۴۷،۵
فوق لیسانس	۲۷	۱۳،۵
دکتری	۶	۳
کل	۲۰۰	۱۰۰

چنانکه در جدول بالا مشاهده می‌شود، میزان تحصیلات ۳۶ درصد از مادران دیپلم و فوق دیپلم، ۴۷،۵ درصد لیسانس، ۱۳،۵ درصد فوق‌لیسانس و ۳ درصد دکتری هستند. این نتایج در نمودار میله‌ای زیر نیز نشان داده شده است.

در جدول شماره ۴ یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش آمده است:

جدول ۴: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
سازگاری اجتماعی	-	۲۵،۶	۱،۷۶	-۱،۰۸	۰،۹۴
فرزند پروری	سهل‌گیرانه	۳۱،۹	۰،۰۸	۱،۲	۱،۶
	مستبدانه	۳۲،۴	۰،۱۱	۱،۱	۱،۰

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-16]

قاطع و اطمینان‌بخش	۳۳,۳	۰,۱۴	۰,۸	-۰,۸

اطلاعات جدول ۳-۴ مشخصه‌های آماری متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی که در بازه‌ی معقولی (۲- و ۲+) برای حدس بر نرمال بودن داده‌ها قرار دارند، می‌توان فرض نرمال بودن داده‌ها را مطرح کرده و پذیرفت.
در جدول شماره ۵، نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیرهای سبک‌های فرزند پروری و سازگاری اجتماعی با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف موردبررسی قرارگرفته و نتایج آن آورده شده است:

جدول ۵: خلاصه آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیر	مؤلفه	آماره آزمون	سطح معناداری
سازگاری اجتماعی	-	۱,۳	۰,۰۶
فرزند پروری	سهل‌گیرانه	۰,۹۵	۰,۰۹
	مستبدانه	۱,۰	۰,۰۸
	قاطع و اطمینان‌بخش	۱,۱۹	۰,۰۷

با توجه به جدول ۵، سطح معنی‌داری آماره‌ی آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان می‌دهد برای متغیرها پژوهش با توجه به اینکه سطح معناداری بزرگتر از ۰,۰۵ شده است لذا، مفروضه نرمال بودن متغیرها را تائید می‌کند.
در ادامه خلاصه آزمون رگرسیون جهت بررسی رابطه بین سبک‌های فرزند پروری مادران با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۶: خلاصه آزمون رگرسیون جهت پیش بینی سازگاری اجتماعی مبتنی بر سبک‌های فرزند پروری مادران

مدل	متغیرهای پیش بین	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	همبستگی تعدیل شده	سطح معنی داری
۱	سبک سهل‌گیر سبک مستبدانه سبک قاطع و اطمینان‌بخش	۰/۴۹۸	۰/۲۴۸	۰/۲۵۱	۰/۰۰۱

متغیر ملاک: سازگاری اجتماعی

بر اساس اطلاعات جدول بالا، رابطه بین "سبک‌های فرزند پروری" و "سازگاری اجتماعی" برابر با ۰/۴۹۸ برآورد شده است. به عبارت دیگر "سبک‌های فرزند پروری مادران" روی هم حدود ۲۴/۸ درصد از واریانس مربوط به " سازگاری اجتماعی" فرزندان را تبیین می‌کنند (R^2=۰/۲۴۸).
برون داد بعدی رایانه تحلیل ضرایب رگرسیون مدل را نشان می دهد. ضرایب سبک‌های فرزند پروری در پیش بینی سازگاری اجتماعی فرزندان در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۷: ضرایب سبک‌های فرزند پروری در پیش بینی سازگاری اجتماعی فرزندان

متغیر های وارد شده در مدل	مدل	B	SE	(Beta)	T	سطح معناداری
	عرض از مبداء	۴/۹	۳/۵		۱۳/۹	۰/۰۰۱
سبک آسان‌گیر	ضریب متغیر	-۰/۳۷۲	۰/۳۲	-۰/۱۴۱	-۳/۱۰	۰/۰۰۳
سبک مستبدانه	ضریب متغیر	-۰/۴۵۹	۰/۲۸	-۰/۳۲۸	-۳/۴۲	۰/۰۰۱
سبک قاطع و اطمینان‌بخش	ضریب متغیر	۰/۴۷۳	۰/۲۳	۰/۳۷۹	۴/۲	۰/۰۰۲

متغیر ملاک: سازگاری اجتماعی فرزندان

چنانکه در جدول بالا مشاهده می شود، ضرایب سبک‌های فرزند پروری در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار است. به عبارت دیگر سبک آسان‌گیر، سبک مستبدانه و سبک قاطع و اطمینان‌بخش پیش بینی کننده معنی دار سازگاری اجتماعی فرزندان است؛ بنابراین بر اساس داده های موجود در جدول، می‌توان معادله رگرسیون را به شرح زیر نوشت:

(سبک قاطع و اطمینان‌بخش) ۰/۴۷۳+(سبک مستبدانه) ۰/۴۵۹-(سبک آسان‌گیر)۰/۳۷۲-۴/۹= (Y)سازگاری اجتماعی

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-16]

بر پایه مدل رگرسیون بالا می توان گفت : با افزایش یک واحد در سبک آسان‌گیر، سبک مستبدانه و سبک قاطع و اطمینان‌بخش به ترتیب به اندازه ۰/۳۷۲، ۰/۴۵۹ واحد از سازگاری اجتماعی فرزندان کاسته و ۰/۴۷۳ واحد به سازگاری اجتماعی فرزندان افزوده می شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل آماری داده‌ها در بخش قبل، نشان داد که سبک‌های فرزند پروری مادران پیش‌بینی کننده‌ی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی می‌باشد بدین‌صورت که سبک فرزند پروری قاطع و اطمینان بخش با سازگاری اجتماعی رابطه مثبت و معنادار و سبک‌های فرزندپرروی سهل‌گیر و مستبدانه با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی رابطه منفی و معنادار دارد. این یافته از پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش‌هایی همچون بابایی و همکاران، ۱۴۰۱؛ بابایی، ۱۴۰۱؛ داهم، ۱۴۰۰؛ تانکرید و گریف[1]، ۲۰۱۵ همسوست.

در تبیین این یافته از پژوهش می‌توان گفت که تلاش والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان، پایه و اساس شیوه‌ی فرزند پروری است (فیلیپس و همکاران، ۲۰۱۷)و در نتیجه چگونگی رابطه والد-فرزند، درواقع پیش‌بینی کننده‌ی مهارت‌های فرزندان در مورد سازگاری با جامعه است (بابایی و همکاران، ۱۴۰۱). خانواده هم کانون محبت و هم مرکز انضباط و اقتدار است. خانواده‌هایی که می‌توانند رابطه‌ی قوی و مثبت با فرزندان خود ایجاد کنند، نظارت بهتری بر رفتارهای آن‌ها خواهند داشت. هرچه تعامل و صمیمیت میان والدین با فرزندان بیشتر باشد، میزان مهارگری هم بیشتر است، چارچوب‌های انضباطی و محدودیت‌ها اعمال می‌شود و انتظارات مثبت و سازنده به فرزندان آموزش داده می‌شود (میرزایی کوتنایی و همکاران، ۲۰۱۶). برقراری روابط صمیمانه با نوجوان به رشد بهتر و سازگاری بیشتر آنان کمک می‌کند. ایجاد ارتباط میان اعضای خانواده به‌صورت تعاملات اجتماعی، گفتگو و سعی در افزایش آن می‌تواند محیطی هماهنگ و آرامش‌بخش را برای نوجوانان به وجود آورد و آنان را برای ورود به اجتماع با سازگاری بیشتر آماده کند.

تعامل مطلوب بین فرزندان و والدین باعث می‌شود که محیط امن و سرشار از محبت و مهرورزی برای فرزند فراهم شود و در نتیجه احساس شایستگی کرده، خودکارآمدی بالایی را تجربه کند و مشکلات رفتاری کمتری داشته باشد. در حالی که اگر والدین نسبت به علائم رفتاری و هیجانی فرزندانشان حساس نباشند، آن‌ها را حمایت نکنند، باعث ایجاد حس ناامنی در آن‌ها می‌گردند و در نتیجه فرزندشان در ارتباط موثر با دیگران و تعاملات اجتماعی با مشکلاتی مواجه می‌شود. طرد شدن کودک از سوی والدین بالاخص مادر، بر ادراک او از خود و دیگران تأثیر گذاشته و مانع برقراری رابطه‌ی موثر با دیگران می‌گردد که این مسئله می‌تواند منجر به کاهش سازگاری اجتماعی فرزندان شود.

هر پژوهش محدودیت‌هایی با خود به همراه دارد و این پژوهش از آن مستثنی نیست، محدودیت‌هایی از جمله نوع ابزار اندازه گیری که محدود به پرسشنامه‌ها شده و از سایر ابزارها استفاده نشده است و نمونه های شرکت کننده در پژوهش که صرفا تعدادی محدودی از دانش‌آموزان در دسترس در شهر تهران بوده‌اند. با توجه به برجسته بودن نقش سبک‌های فرزند پروری در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود برای بهره‌گیری از اثرات سودمند سبک فرزند پروری قاطع و اطمینان‌بخش در آینده‌ی فردی و تحصیلی دانش‌آموزان، برای والدین دانش‌آموزان مشغول به تحصیل، سبک صحیح فرزند پروری آموزش داده شود.

[1] Tancred & Greeff

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-16]

منابع

بابایی، فائزه .(۱۴۰۱). نقش و جایگاه سبک‌های فرزند پروری در افزایش سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، *دومین همایش ملی ایده‌های کاربردی در علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی*

بابایی، انسیه؛ حسین‌زاده، شیرین؛ گلستانی، طاهره و احمدی، عباس .(۱۴۰۱). پیش‌بینی سازگاری اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزند پروری، کمال‌گرایی و تفکر خلاق در دانش‌آموزان، *مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۹ (۴۷)*

باقرزاده‌نیم‌چاهی، صفورا؛ حسنی طیقدهی، سیده لیلا؛ و حافظیان، مریم (۱۳۹۷). رابطه خودآگاهی و یادگیری خودتنظیمی با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه، *مطالعات روانشناسی تربیتی، ۲(۱۵)*

بلیاد، محمدرضا؛ مجیدآو، حفیظه و احدی، حسن .(۱۳۹۸). مقایسه رشد اجتماعی و شناختی کودکان ۵ تا ۷ ساله بر اساس سبک‌های فرزند پروری، *علوم روانشناختی، ۱۸(۸۴)*: ۲۲۷۹-۲۲۸۴

تقی‌لو، صادق .(۱۳۹۶). مطالعه شیوه‌های فرزند پروری ادراک شده نوجوانان بر اساس جنسیت و سن آنان، *خانواده‌پژوهی، ۱۱(۵۱)*: ۴۴۷-۴۵۹

داهم، اثمر (۱۴۰۰). مقایسه دانش‌آموزان پسر دوره ابتدایی دارای سبک‌های فرزند پروری متفاوت ازلحاظ سازگاری هیجانی-اجتماعی و تحصیلی شهر اشنویه، *پنجمین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی*

رحیمی‌نژاد، عباس؛ خدایاری‌فرد، محمد؛ عابدینی، یاسمین و پاک‌نژاد، محسن .(۱۳۹۲). رابطه ادراک دانشجویان شاهد از جو تحصیلی، ویژگی‌های فردی و خانوادگی آن‌ها با سازگاری اجتماعی، *روانشناسی بالینی و شخصیت، ۱۱(۲)*: ۸۵-۹۴

رشیدی، مهران .(۱۳۹۵). *روانشناسی رشد: سازگاری و خلاقیت*. تهران: تحفه، بشری

زری‌مقدم، زهرا؛ داودی، حسین؛ غفاری، خلیل و جمیلیان، حمیدرضا .(۱۳۹۸). اثربخشی آموزش خودمراقبتی روانی بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان، *دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۲(۶۰)*

کهریزه، مهناز .(۱۳۹۸). رابطه هوش معنوی، سبک‌های فرزند پروری و تاب‌آوری در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان، پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، *علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۲(۱۴)*

نظری، فاطمه؛ کاکاوند، علیرضا و مشهدی‌فراهانی، ملکه .(۱۳۹۴). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با شیوه‌های فرزند پروری مادران و اختلال‌های بیرونی شده فرزندانشان، *روانشناسی کاربردی، ۹(۲)*: ۹۷-۱۱۸

Adli, M., Haidari, H., Zarei, E., & Sadeghifard, M. (2013). Relationship between emotional and social adjustment with marital satisfaction. *Journal of Life Science and Biomedicine, 3(2)*: 118-122

Brosnan, T., Kolubinski, D. C., & Spada, M. M. (2020). Parenting styles and metacognitions as predictors of cannabis use. *Addictive behaviors reports, 11*, 100259.

Darling, N., & Steinberg, L. (2017). *Parenting style as context: An integrative model. In Interpersonal development* (pp. 161-170). Routledge.

George, N. I., & Ukpong, D. E. (2012). Adolescents' sex dieeeeential social adjustment pooblems and academic performance of junior secondary school students in Uyo Metropolitan City. *International Journal of Business and Social Science, 3(19)*

Lei, H., Chiu, M. M., Cui, Y., Zhou, W., & Li, S. (2018). Parenting Style and Aggression: A Meta-Analysis of Mainland Chinese Children and Youth. *Children and Youth Services Review, 94*, 446-455.

Maftei, A., Holman, A. C., & Cârlig, E. R. (2020). Does your child think you're happy? Exploring the associations between children's happiness and parenting styles. *Children and Youth Services Review, 115*, 105074.

Mirzaei, F., Shakerinia, I., Asghari, F. (2016). The Associations between Parent-Child Relationship and Aggressive Behavior among Students. *Jcmh, 2 (4)*, 21-34.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-16]

Phillips, B. A., Conners, F., & Curtner-Smith, M. E. (2017). Parenting children with down syndrome: An analysis of parenting styles, parenting dimensions, and parental stress. *Research in developmental disabilities, 68,* 9-19.

Tancred, E. M., & Greeff, A. P. (2015). Mothers' parenting styles and the association with family coping strategies and family adaptation in families of children with ADHD. *Clinical Social Work Journal, 43(4),* 442-451.

Yang, J., & Zhao, X. (2020). Parenting styles and children's academic performance: Evidence from middle schools in China. *Children and Youth Services Review, 113,* 105017.

Zubrick, S. R. Hafekost, J. Johnson, S. E. Sawyer, M. G. Patton, G. & Lawrence, D. (2017). The continuity and duration of depression and its relationship to nonsuicidal self-harm and suicidal ideation and behavior in adolescents 12–17. *Journal of Affective Disorders, 220,* 49–56.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-16]

Determining the Relationship between Social Adjustment of Female High School Students and Parenting Styles

Malihe Sadat Sadeghuol Ghol[1]

Abstract

The purpose of this research is to determine the relationship between the social adaptation of female high school students and parenting styles. The statistical population of this research includes all female students of the second year of high school in Tehran in the academic year of 1402-1401 and their mothers, 200 of whom were selected as a sample using available sampling. The research tools were Bamrind's parenting styles questionnaire (1972) and Sinha and Sink's student adjustment questionnaire (1993), which had acceptable validity and reliability. In order to analyze the data, inferential statistics of Pearson correlation coefficient and multivariate regression were used using SPSS-23 software. The results showed that there is a significant relationship between students' social adaptation and mothers' parenting styles. The results indicated that mothers' parenting styles can predict the social adjustment of female high school students. In this way, assertive and reassuring parenting style predicts social adjustment positively and negligent and authoritarian parenting styles negatively.

Key words: Parenting Styles, Autocratic Style, Authoritative Style, Permissive Style, Social Adaptation

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-16]

[1] Master of Personality Psychology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (Responsible Author)